

Cyberspace: Sexual Dysfunction of the Family Institution by Making It Unsafe To Meet the Emotional-Sexual Needs Of Spouses

Mojtaba Attarzadeh*

Abstract

Various changes in various fields, especially with the revolution in cultural communications, have affected people's views of themselves, their families, and their expectations of married life. With the emergence and rapid development of media technologies that have led to the growth and increasing diversity of sexual acts and the formation of a new type of sexual act called "virtual sexual act," the security of meeting the emotional and sexual needs of spouses within the family has been threatened. Among the results of this research is that communication within the family requires the exchange of feelings and thoughts between husband and wife verbally and nonverbally in the form of listening, pausing, and facial expressions with each other; while the widespread use of cyberspace - despite the positive consequences of facilitating communication - has led to the formation of a feeling of loneliness and a decrease in the amount of interaction and intimacy between couples, which has led to the weakening of their positive feelings towards each other.

The findings of this study, which was conducted using a descriptive-analytical method and based on library resources, show that the gradual change in the attitude of cyberspace users towards marriage and family is due to the uncensored representation of sexual acts in which the distinction between reality and fantasy, surface and depth, or reality and illusion, is distorted, and as a result, the formation of a culture of hyperreality leads to a preference for virtual sex over a real sexual partner and coldness of emotional relationships, which is reflected in an increase in the rate of divorce, abnormalities in sexual behavior in the form of sexual deviations and masturbation, etc.

Key words: Sexual Function, Cyberspace, Family, Sexual Need, Insecurity, Spouses.

* Associate Professor, Department of General Studies and Islamic Studies, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran (corresponding author).
mattarzadeh1@gmail.com

فضای مجازی؛ اختلال کارکرد جنسی نهاد خانواده با ناامن سازی تأمین نیازهای عاطفی - جنسی همسران

مجتبی عطارزاده*

چکیده

دگرگونی‌های مختلف در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه با انقلاب ارتباطات در عرصه فرهنگی، دیدگاه افراد نسبت به خود، خانواده و انتظارات از زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار داده است. با پیدایش و توسعه سریع تکنولوژی‌های رسانه‌ای که رشد و تنوع فزاینده کنش‌های جنسی و نیز شکل‌گیری گونه جدیدی از کنش جنسی با عنوان «کنش جنسی مجازی» را به همراه داشته است، امنیت تأمین نیازهای عاطفی - جنسی همسران در چارچوب خانواده در معرض تهدید قرار گرفته است. از جمله نتایج این پژوهش این است که ارتباط در چارچوب خانواده، تبادل احساسات و افکار زن و شوهر به صورت کلامی و غیرکلامی در قالب گوش دادن، مکث کردن و حالت چهره با یکدیگر را می‌طلبد؛ حال آنکه استفاده گسترده از فضای مجازی - با وجود پیامدهای مثبت ناشی از تسهیل در ارتباطات - سبب شکل‌گیری احساس تنهایی و کاهش میزان مراد و صمیمیت بین زوجین شده که رو به ضعف نهادن احساسات مثبت آنها نسبت به یکدیگر را در پی آورده است.

یافته‌های این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده، نشان می‌دهد تغییر نگرش تدریجی کاربران فضای مجازی به ازدواج و خانواده در اثر بازنمایی بدون پرده از کنش‌های جنسی که در آن تمایز بین واقعیت و خیال، سطح و عمق یا واقعیت و توهم محدود شده و در نتیجه شکل‌گیری فرهنگ فراواقعیت، ترجیح سکس مجازی به شریک جنسی واقعی و سردی روابط عاطفی را به دنبال دارد که در افزایش میزان طلاق، ناهنجاری در رفتار جنسی در قالب انحرافات جنسی و خودارضایی و... نمود پیدا می‌کند. **واژگان کلیدی:** کارکرد جنسی، فضای مجازی، خانواده، نیاز جنسی، ناامن‌سازی، همسران.

* دانشیار، گروه دروس عمومی و معارف اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

mattarzadeh1@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

۱. مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز، با وجود تداوم سنت‌ها اما رخداد تحولاتی، منشأ بروز دگرگونی‌هایی عمیق و اساسی در نوع روابط و ارزش‌های خانوادگی به سمت فردگرایی و کاهش احساس تعهد و وابستگی‌های گروهی شده است. بسیاری از این تحولات و دگرگونی‌ها از بیرون و از جمله با ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی بر خانواده تحمیل می‌شود (شرف، ۱۳۹۹، ص ۶۷). اینترنت و فضای مجازی از جمله تکنولوژی‌های نوین ارتباطی هستند که به تدریج جای خود را در زندگی اعضای جامعه باز کرده و امروزه به یکی از محبوب‌ترین ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی بدل شده است.

فضای مجازی به دلیل رویکرد آزاداندیشی در روابط جنسی و نیز نگرش تجاری نسبت به مسائل جنسی که رواج هنر شهوانی را در پی داشته است، با در هم شکستن مرزهای اخلاقی و تهدید ارزش‌های فرهنگی، به‌ویژه فرهنگ‌های دینی و از جمله فرهنگ اسلامی، خانواده را در انجام کارکرد بهینه خود با مشکل مواجه نموده است. اگر در گذشته بعد از بلوغ و ایجاد تمایل برای رابطه جنسی، با وجود امکان ازدواج و تشکیل خانواده، افراد به‌واسطه هم‌زمانی این دو موضوع با مشکلی مواجه نمی‌شدند، بلوغ و خواهش جنسی در حال حاضر در نبود امکان تشکیل خانواده بسیار زودتر ایجاد می‌شود که گسترش فضای مجازی در جدایی زمان رابطه جنسی و تشکیل خانواده مؤثر بوده است.

از جمله مسائلی که نقض آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی آسان‌تر و به‌واسطه شکل متفاوت ارتباط پذیرفتنی‌تر است، تعهد در ارتباط زوجین است که رعایت آن اصل بدیهی برای دوام زندگی زناشویی است. با توجه به گسترش دامنه ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی، برقراری ارتباط با جنس مخالف بسیار آسان شده است و همین سهولت می‌تواند تعهد زوجین را تهدید کند؛ گرچه در ارتباط مجازی، و با فاصله‌ای بعید میان بدن‌ها، اینکه کدام رفتار و چه گستره‌ای از آن را می‌توان به‌عنوان تهدیدی برای روابط زناشویی محسوب نمود، و یا در حیطه خیانت زناشویی طبقه‌بندی کرد، به امری مبهم بدل شده است.

از تأثیرات دیگر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر روابط همسران، کاهش تعامل با همسر به‌واسطه پرداختن اعتیادوار به فعالیت‌های آنلاین است. فناوری‌های نوین ارتباطی با کاستن ارتباطات خانوادگی، بسیاری از کارکردهای خانواده‌ها را به دلیل اختصاص وقت مفید کمتر افراد به گپ‌وگفت و ارتباط با دیگر اعضا مختل نموده است. از این‌رو، جامعه‌شناسان با ملاحظه این امور، از انزوا و انفراد اجتماعی روزافزون افراد در اثر استفاده گسترده از فضای مجازی، ابراز نگرانی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۶۸۳). همچنین، صرف زمان زیاد در فضای مجازی، باعث پررنگ شدن تعارضات بین همسران و به‌دنبال آن افزایش پرخاشگری جسمی و ارتباطی میان زوجین

می‌شود. حتی برخی از زوجین که در ارتباط با همسر خود دچار مشکل و سردی عاطفی و ارتباطی شده‌اند، ممکن است به‌جای مراجعه به درمانگر و حل آن به شبکه‌های اجتماعی پناه ببرند و همین مسئله زمینه را برای روابط فرا زناشویی مساعد می‌کند.

مرور اوضاع فعلی خانواده‌ها به استناد پرونده‌های مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده، و همچنین، افزایش میزان تقاضای طلاق، از اختلال در تحقق هدف اصلی ازدواج یعنی نیل به آرامش زوجین به‌واسطه بروز ناهنجاری‌های جنسی و حتی گاه روابط جنسی نامشروع در اثر کاربری فضای مجازی حکایت دارد که آرامش‌آفرینی تأهل و زندگی زناشویی برای زوجین را مانع شده است. بنابراین، چگونگی تأثیر فضای مجازی در ایجاد اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی و برهم خوردن امنیت خانواده در تأمین نیازهای عاطفی - جنسی زوجین، از چالش‌هایی است که خانواده ایرانی امروزه با آن روبه‌رو و نیازمند مطالعه است.

از این رو، و در راستای تأمین بخشی از نیاز یادشده، این نوشتار به‌منظور پاسخ به این سؤال اصلی که «چگونه باوجود خاصیت مجازی رسانه‌های نوین توانسته در کارکرد جنسی خانواده (به‌عنوان یک امر واقعی) اختلال ایجاد کند؟»، بر آن است تا صحت فرضیه «آثار ناشی از فضای مجازی در برجسته‌سازی مدیریت بدن، کاهش میزان اعتماد و گفتگو بین زوجین و... بر امنیت تأمین نیازهای جنسی - عاطفی همسران، کارکرد طبیعی خانواده را دستخوش اختلال نموده است» را مطالعه و سنجش کند.

۲. پیشینه و ادبیات تحقیق

جدول ۱: پیشینه و ادبیات تحقیق

نویسنده و سال	موضوع	روش	نتیجه
تاجبخش و دانشفر (۱۳۹۹)	تأثیر تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر مدیریت بدن زنان و دختران	پیمایشی و تحلیل آمار	وجود رابطه معنادار بین مدت زمان تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای و مدیریت بدن زنان و دختران
اکبرزاده چهرمی، رضوی‌زاده، شیخی (۱۳۹۸)	نقش اینستاگرام در مدیریت بدن زنان مناطق یک و بیست تهران	پیمایشی و تحلیل آمار	وجود ارتباط وثیق میان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و تغییر چارچوب‌های ارزشی زنان ایرانی در حوزه بدن
چنادله، رهنما (۱۳۹۷)	بازنمایی آسیب‌شناسانه	فراتحلیل	حاکم بودن رویکرد آسیب‌شناسانه بر رسانه‌های نوین منجر به نادیده انگاشته شدن نقش متغیرها و عوامل میانجی و نقش خانواده‌ها در

پذیرش با عدم پذیرش این رسانه‌ها و کنترل تأثیرات آنها و در نهایت ترسیم تصویری منفعلانه از خانواده در مواجهه با این رسانه‌ها		رسانه‌های نوین در مطالعات خانواده (فراتحلیل مقالات چاپ شده درخصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده)	
وجود رابطه منفی و معناداری بین میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری زناشویی در بین مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه	توصیفی، همبستگی	رابطه میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری زناشویی در بین مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه	نخشی‌پور، ابراهیم پور (۱۳۹۷)
سکس مجازی فرایندی است که کاملاً به صورت تخیلی انجام می‌شود و هیچ حضور جسمانی از فرد دیگری در رابطه وجود ندارد.	پیمایشی و مصاحبه	بازسازی زمینه‌ای پیامدهای کنش جنسی در اینترنت	ژیانپور، ملک احمدی (۱۳۹۴)
اختلال فضای مجازی در مهارت‌های هیجانی و تأثیر منفی در صمیمیت و رضایت زناشویی	توصیفی - تحلیلی	تأثیر فضای مجازی بر مهارت‌های هیجانی و سلامت خانواده	میرجیان و کوردوا (۲۰۱۰)
بین میزان استفاده از اینترنت و تنهایی و انزوا، رابطه معناداری وجود دارد. به این معنا هر چه فرد، بیشتر به اینترنت وابسته می‌شود، ارتباط وی با اجتماع و دیگران کمتر می‌شود.	رگرسیون حداقل مربعی (OLS)	رابطه استفاده از اینترنت و تنهایی	اریک (۲۰۰۹)
هم در زنان و هم در مردان، دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی و صمیمیت ایمن رابطه منفی داشت. همچنین نتایج حاکی از آن بود که صمیمیت ایمن، رضایت زناشویی و مهارت‌های هیجانی را میانجی‌گری می‌کند.	آمار توصیفی	مهارت عاطفی در ازدواج سیاهان آمریکا: امنیت خودمانی به‌عنوان میانجی رابطه بین مهارت عاطفی و رضایت زناشویی	دانهام (۲۰۰۹)

همان‌گونه که در مرور مطالعات پیشین طی جدول ۱ مشهود است، بخش اعظم این بررسی‌ها جوانب مختلف موضوع خانواده و فضای مجازی را در قالب پژوهش‌های میدانی کاویده‌اند؛ اما موضوع اثرپذیری روابط جنسی و عاطفی همسران از فضای مجازی که اختلال در کارکرد اصلی خانواده را موجب می‌شود، کمتر در آنها از منظر تئوریک مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر از حیث تمرکز بر موضوع تأثیر فضای مجازی در برجسته‌سازی مدیریت بدن،

کاهش میزان اعتماد و گفتگو بین زوجین و... بر امنیت تأمین نیازهای جنسی - عاطفی همسران، که اختلال در کارکرد طبیعی خانواده را موجب می‌شود، از تحقیقات قبل متمایز است.

۳. مفاهیم تحقیق

۱. کارکرد جنسی: ^۱ به مجموعه‌ای از جنبه‌های روانی جنسینگی از جمله برانگیختگی جنسی و میل جنسی و خیال‌پردازی‌های جنسی، اطلاق می‌شود. اختلال در کارکرد جنسی با کاهش میل جنسی به معنای فقدان یا نبود میل جنسی برای فعالیت جنسی در مدت زمانی خاص، همراه است.

۲. فضای مجازی: ^۲ مفهومی برای توصیف فناوری دیجیتال به هم پیوسته گسترده است. این واژه در دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علمی - تخیلی شد و شاغلان در زمینه رایانه و علاقه‌مندان، به سرعت آن را به کار بردند و در دهه ۱۹۹۰ رونق و در بین عامه رواج یافت.

۳. خانواده: ^۳ به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی، یا مکان زندگی مشترک وابستگی دارند. سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای گفته می‌شود که باهم زندگی می‌کنند، درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند (اعزازی، ۱۳۸۵، ص ۵)

۴. نیاز جنسی: ^۴ یکی از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین امیال انسان و دیگر موجودات است که موجب بقای نسل و ایجاد لذت می‌شود. میل جنسی فرد، بدون توجه به جنسیت، تحت تأثیر عملکرد مغز، هورمون‌ها و رفتار آموخته‌شده قرار می‌گیرد و متناسب با وضعیت روانی، تغییرات هورمونی و شدت استرس در نوسان است.

۵. ناامن سازی: تأمین نیاز جنسی، اثرات مثبتی چون ایجاد آرامش در هر دو طرف دارد. این آرامش از هر لحاظ فکری، جسمی، اجتماعی می‌تواند باشد. چنانچه نیاز جنسی مرد یا زن در زندگی زناشویی تأمین نشود، دچار ناامنی روحی شده و در نتیجه، آرامش کافی در برابر مشکلات در خود نمی‌یابد و نمی‌تواند با تمرکز روی مشکلات، آنها را مدیریت کند؛ چون از لحاظ فکری، به آرامش کامل نمی‌رسد.

-
1. Sexual Function
 2. Cyber Space
 3. Ffamily
 4. Libido

۴. ادبیات نظری پژوهش

موضوع تحقیق، بهره‌گیری از نظریه «استفاده و رضایت‌مندی»^۱ را ایجاب می‌نماید. در این نظریه، بر این موضوع تأکید می‌شود که تلاش افراد برای دستیابی به اطلاعات روزآمد، آنان را به سمت رسانه‌ها سوق می‌دهد و چنانچه آنچه در رسانه‌ها عرضه می‌شود با ارزش‌ها، علایق و نقش اجتماعی مخاطبان همخوانی داشته باشد، بی‌گمان آنان را به خود جذب می‌کنند (مک‌کوایل، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴). در واقع، این نظریه گرایش مردم به رسانه‌ای خاص (همچون فضای مجازی) را با ارائه دلایل کارکردی نظیر پاسخ به نیازهایی توضیح می‌دهد که کاربران با هدف رفع ابهامات خود آن را از بین سایر وسایل برگزیده‌اند. بدیهی است در صورت ارائه پاسخ مقتضی از سوی رسانه به نیاز کاربران، ارضا و خشنودی افراد حاصل شده و باز هم طی دفعات بعد به آن مراجعه خواهند داشت. ضمن آنکه از رسانه‌های ناتوان در رفع نیاز مطلوب خود، رویگردان می‌شود (هرمز، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸).

با این توضیح، این نظریه بین رضایت و رفع نیازها و علایق کاربران در مراجعه به رسانه‌ها رابطه مستقیمی در نظر می‌گیرد. براساس این، هرچه محتوای موردنظر افراد توسط رسانه، بیشتر و بهتر تأمین شود، میزان بالای رضایت اشخاص سبب جذب آنها خواهد شد و به‌جای تلاش برای تأمین نیازهای خود در عالم واقع، چه‌بسا یافتن آن در فضای مجازی را ارجح بدانند.

۴-۱. احتیاج مبرم بشر به آرامش روحی و تأمین نیاز عاطفی - جنسی

نیاز مفهومی عام است که گستره وسیع آن در علوم گوناگون، زمینه‌ساز کاربست آن در رشته‌های گوناگون شده است. هنگام طرح این مفهوم در حوزه روان‌شناسی، «حالت محرومیت، کمبود و فقدان در ارگانیسم» از آن اراده می‌شود (محمی‌الدین بناب، ۱۳۷۵، ص ۹۸). مقولات ضروری مانند آب، هوا، غذا و... هر آنچه از اجزاء لازم بهزیستی که فقدان آن در تداوم حیات و بقاء موجودات زنده خللی به وجود آورد، «نیاز» شمرده می‌شود. انسان هم از این قاعده مستثنا نیست و در اصل وجود و هم در استمرار حیات، پیوسته موجودی نیازمند بوده و زیست وی کوشش و تلاشی در جهت ارضای این نیازها - باوجود تنوع و پیچیدگی آنها - است. فرانکل به دو معنای «متفاوت بودن و مشابه بودن» برای هستی انسان قائل است (۱۳۷۲، ۱۴۶). به عقیده او با توجه به منحصر به فرد بودن هر انسانی، باید او را خاص و متمایز از دیگران دانست. یگانگی هستی انسان یا متفرد دانستن وی، به مفهوم کامل نبودن انسان‌هاست که تلاش هر کس به رفع نقص و کمبود خود به نحو مقتضی را می‌طلبد. در واقع، همین کاستی‌ها در وجود انسان‌هاست که ارتباط آنان با دیگران

جهت رفع نیاز را ضرورت می‌بخشد. پس می‌توان به این جمع‌بندی رسید که کاستی‌های وجودی انسان که از جمله عوامل تفرّد و یگانگی اوست (فرانکل، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳)، زمینه صعود و تعالی وی را به مرحله بالاتر انسانیت فراهم می‌آورد. انسان با وجود این یگانگی، موجودی شبیه به دیگران است و توانایی حفظ تفرّد خود با وجود همزیستی با دیگر انسان‌ها را باید هنر او به شمار آورد.

از آنجا که مطالعه رفتار انسان، موضوع اصلی مطالعه در روان‌شناسی و «نیاز»، از جمله عوامل محرک انسان به تلاش و کوشش در حیات و نیز عامل مؤثر در خلق و خو و رفتار آدمی است، با کنکاش این عوامل و انگیزه‌های رفتار در روان‌شناسی تحت عنوان «انگیزش»، فهرستی از نیازهای انسان به فراخور مبانی انسان‌شناسی عرضه و ارائه شده است. برخی از صاحب‌نظران در این مطالعه، با دیدی کاملاً مادی انسان را حاصل فرآیند وراثت یا موجودی اجتماعی و دستاورد محیط به شمار آورده و در نتیجه، مطالبات وی را نیز در همین چارچوب خلاصه کرده‌اند؛ حال آنکه جمعی نیز او را مجموعه‌ای از ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی تلقی نموده و براساس این، فهرستی از نیازهایش را ارائه نموده‌اند. از جمله آنان فروید با تلقی انسان به عنوان موجودی آکنده از غرایز و نیازهای زیستی، معتقد است: همه فعل و انفعال‌های مادی و معنوی وی به منظور کاستن از تنش‌های ناشی از تلاش جهت تأمین آن نیازها و دستیابی به «تعداد حیاتی»، انجام می‌شود (شولتز و شولتز، ۱۴۰۱، ص ۴۶).

آبراهام مازلو، پدر روان‌شناسی انسان‌گرا، با جمع‌آوری نیازهای انسان در یک هرم، سومین نیاز اساسی وی را رهاناشدگی و پیوستگی می‌داند که می‌تواند از رهگذر برقراری رابطه نزدیک با یک همراه، مونس و هم‌کلام، همسر و یا برقراری مراوده اجتماعی در گروه برآورد شود. براساس طبقه‌بندی او، نیازهای جنسی بخشی از نیازهای فیزیولوژیکی یعنی در طبقه ابتدایی‌ترین نیازهای انسان قرار می‌گیرد. همچنین، نیازهای عاطفی و روابط مبتنی بر عشق و علاقه در طبقه سوم از نیازهای انسان دسته‌بندی شده است. در نگرش خوش‌بینانه و کل‌نگر وی به ماهیت سلسله نیازهای انسان، مازلو نیازهای او را در دو بخش زیستی و روانی طبق سلسله‌مراتب پنج‌گانه دربردارنده نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، عشق و محبت، عزت نفس و خودشکوفایی دسته‌بندی نموده است.



شکل ۱. طبقه‌بندی نیازهای انسان توسط مازلو

وی معتقد است: نیازهای سلسله‌مراتب پایین‌تر، نیرومندتر، فراگیرتر و تأثیرگذارتر در رفتار هستند و در فرایند رشد نیز زودتر خود را نشان می‌دهند؛ از این رو، ابتدا باید نیازهای مراتب پایین‌تر در حد مطلوبی ارضا شوند تا نیازهای عالی که قوت کمتری دارند، ظاهر شده و ارضاء شوند (راس، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲). او معتقد است: هر مرحله و هر طبقه از این هرم، مقدمه و بستر مرحله بعد بوده، به طوری که اگر مرحله سابق تأمین نشود، در مراحل بعد با مشکل روبه‌رو می‌شویم. بنابراین این نظریه، ایجاد اختلالات ناشی از عدم تأمین نیاز جنسی در مسیر پیشرفت انسان، مانع از به فعلیت رسیدن استعدادها خواهد شد.

با وجود بنیاد این دیدگاه بر اساس معیارهای علم روان‌شناسی و نگاهی مادی و فیزیکی به انسان، اما در مقایسه آن با دیدگاه اسلام در زمینه غرایز جنسی، اختلاف چندانی در اصل تأثیر تأمین شدن این نیاز در مسیر بالندگی یا به تعبیر دینی سعادت انسان دیده نمی‌شود. به دلیل ارتباط غریزه جنسی با ابعاد مختلف روحی و عاطفی انسان، این غریزه در اسلام نه یک غریزه حیوانی، بلکه یک خصلت انسانی است؛ زیرا مواردی مانند میل به محبت و زیبایی‌شناسی و میل به تعاون و همکاری و... همگی با قرینه جنسی عجین هستند. به همین دلیل، بحث نیاز جنسی و هر موضوعی مثل ازدواج، که با این مسئله ربط پیدا کند، یکی از موضوعاتی است که در اسلام بیشترین روایت را به

خود اختصاص داده است. کثرت احادیث، اهمیت بالای این موضوع را در اسلام نشان می‌دهد. به طور مثال در حدیثی نبوی آمده است: «إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْبَاقِي؛ هرگاه آدمی ازدواج کند، نصف دین را به دست آورده است و برای نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند» (متقی، ۱۴۱۹ق، حدیث ۴۴۴۱۴).

از این رو، به تعبیر شهید مطهری، در نتیجه شدت و حدت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌شود (۱۳۶۹، ج ۱۹، ص ۶۳۴) که وقوع حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد طلاق‌ها بر اثر عدم تأمین نیازهای جنسی و عاطفی در شرایط کنونی جامعه، نمونه‌ای از آن است.

«ازدواج» و تشکیل خانواده مناسب‌ترین بستر جهت پاسخگویی به چنین نیازهای اساسی و تکوینی در وجود انسان است. گذشته از نیازهای جنسی، نیازهای عاطفی زنان در زندگی زناشویی از رهگذر بذل توجه همسر از طریق گوش دادن، دیدن و گفتن به آسانی تأمین می‌شود. زن‌ها خواهان همسری صادق هستند که به آنها احترام بگذارد و از آنها محافظت کند؛ به طوری که زن در کنار همسرش احساس امنیت کند. از همه مهم‌تر او را در اولویت خود قرار دهد و تا حد امکان او و نظراتش را ملاک قرار دهد. مجموعه این عوامل و افکار می‌تواند نیازهای عاطفی زن را برآورده کند. از آنجاکه یکی از عوامل مؤثر بر آرامش زنان در زندگی زناشویی تأمین نیازهای جنسی همسران و رضایت آنان از رابطه جنسی است، چنانچه به تأمین این نیازها در ازدواج توجه نشود و پایگاه خانواده محمل پاسخ به آنها نباشد، بزرگ‌ترین آسیب‌ها و مشکلات متوجه دختران و پسران جوان شده که تا آخر عمر ممکن است دامن آنها را گرفته و جبران آن به‌سختی و در برخی موارد ناممکن خواهد بود.

۲-۴. تأمین نیاز جنسی و عاطفی، مهم‌ترین کارکرد ازدواج و تشکیل خانواده

خانواده به‌عنوان دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی، گروه کوچکی است که حدّ فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته و هرگونه نابسامانی در کارکرد آن، به بروز اختلال در سطح اجتماع منجر خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان تحقق آرمان جامعه سالم را تنها در پرتو خانواده سالم ممکن دانست. از این رو، خانواده به‌صورت یک سیستم اجتماعی و ارتباطی تعریف شده که سلامت آن و به‌تبع سلامت جامعه، بازتابی از عملکرد مناسب اعضای آن است (کامینگز و دیویس، ۲۰۰۲).

بی‌تردید روابط جنسی سالم و رضایتمندانه در قالب ازدواج و تشکیل خانواده با افزایش روابط عاطفی و محبت‌آمیز بین زن و مرد و نیز ابراز حس حمایت‌گری مرد نسبت به زن و همراهی زن با

همسر خود می‌تواند تأثیر بسزایی در نشاط زن و شوهر داشته باشد. هرچند میل جنسی در تحکیم روابط اعضای خانواده نقش انگیزشی ندارد، اما چونان عامل تقویت‌کننده با کمک به طراوت محیط و افزایش آستانه تحمل افراد، نقش بسیار مهمی در خانواده دارد و همسران می‌توانند از آن برای یک زندگی پایدار کمک بگیرند. برخلاف تصور غالب، زنان نیز چون مردان انتظار دارند نیاز جنسی آنان که البته از نظر کیفیت بر مردان غلبه دارد، در قالب خانواده تأمین شود. از آنجاکه حجب و حیای زنانه ابراز صریح تمایلات جنسی را مانع می‌شود، از این رو، توجه به این موضوع در قالب مواردی همچون پرهیز از عجله و شتاب در برقراری رابطه جنسی هنگام هم‌آغوشی به مردان توصیه شده است؛ چه آنکه آمیزش شتاب‌زده تنها مرد را ارضا می‌کند و به واسطه عدم ارضای زن در بارز نشدن سریع شهوت، سردمزاجی وی و اکراه و روی‌گردانی از آن در بلندمدت را موجب می‌شود.^۱ شاید تلقی تمکین جنسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های واجب زن در زندگی زناشویی، بر ضرورت توجه به اهمیت تأمین جنسی زن به‌صورت ضمنی دلالت داشته باشد. حتی توجه به ظرایف خلوت زناشویی در آموزه‌های اسلامی را می‌توان به ضرورت تأمین نیاز جنسی زن و مرد (و نه فقط مرد) تعبیر نمود؛ آنجا که در روابط زن و شوهری توصیه شده است: «بهترین زنان کسانی‌اند که جامه حیا را تنها در خلوت جنسی شوهر کنار می‌گذارند و آنگاه که لباس می‌پوشند جامه حیا را نیز بر تن می‌کنند». اسلام نظر به ضرورت تأمین نیاز جنسی زنان، مردان را مکلف نموده که دست‌کم در طول چهار ماه یک‌بار با همسر خویش آمیزش داشته باشند و ازسوی دیگر، افراط نیز نباید صورت گیرد و هرگاه نیاز مرد برآورده شد، بسنده کند و به امور دیگر بپردازد. همچنین، به زنان توصیه کرده است که حقوق مردان را رعایت کنند؛ حتی پیامبر ﷺ به زنان فرمود: «لا تطولنَّ صلاتکِنَّ لثمننن ازواجکِنَّ؛ با طولانی ساختن نماز خویش، مانع خواسته همسران خویش نشوید» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۱۱۷).

آگاهی از پیامدهای سوء عدم پاسخ منطقی به نیازهای جنسی، فلسفه تأکید فراوان شریعت اسلام بر رعایت این‌گونه موارد در تمهید برقراری روابط صمیمی جنسی در کانون خانواده را روشن می‌کند. عدم تأمین میل جنسی در خانواده و عادت به تغنیات (آوازه‌ها و موسیقی‌های مطرب) افزایش‌دهنده انگیزه زنا می‌تواند به روابط نامشروع جنسی (زنا) ختم شود که بی‌تردید لذت ارتباط با همسر را از میان می‌برد؛ همان‌گونه که عدم آراستگی مرد در برابر همسرش، سبب افزایش احتمال

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برخی از شما نزد همسرش می‌رود و به سرعت کار خویش را تمام می‌کند؛ بدون اینکه همسرش را ارضا نماید؛ به طوری که اگر زن در همان حال یک سیاه زنگ را ببیند، دوست دارد به او متوسل شود تا ارضا شود؛ پس اگر شما قصد آمیزش با همسرانتان داشتید، تعجل نکنید؛ بلکه باید شما مدتی به بازی سر کنید که این آمیزش را زیاتر و نیکوتر می‌نماید (حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۱۰۴، حدیث ۲۵۱۸۳).

لغزش جنسی زن می‌شود. از این گذشته، با تغییر ذائقه جنسی در اثر کاربری گسترده و خارج از ضابطه ماهواره و شبکه‌های اجتماعی در خانه‌ها، میل به تنوع‌طلبی جنسی رو به فزونی نهاده و در نتیجه، از جذابیت زن و شوهر برای یکدیگر کاسته شده است. همچنین، مشاهده تصاویر و فیلم‌های مستهجن به شکل گروهی که به عدم رعایت مرزهای اخلاقی میان زن و مرد منجر شده، سطح حیا را کاهش داده است؛ به گونه‌ای که در مجالس دوستانه و جلسات خانوادگی، عدم رعایت قواعد اخلاقی به بی‌تفاوتی مرد در مقابل رفتارهای جنسی همسرش منجر شده است.

هرچند در گذشته با نهادینه شدن ساختارهای فرهنگی، حیا، صبر جنسی و عفت در خانواده از یک سو و تأمین نیازهای جنسی مردان در چارچوب‌هایی مشروع مانند ازدواج موقت و تعدد زوجات از سوی دیگر، از بروز اختلال در کارکرد تأمین نیازهای جنسی و عاطفی خانواده جلوگیری می‌کرد، اما رواج تنوع‌طلبی جنسی در فناوری‌های رسانه‌ای عصر جدید، به موازات جایگزینی فردگرایی و کام‌روایی به جای حیا و غیرت و در نتیجه زوال تدریجی تقدس خانواده، شیوه‌های مشروع برای رفع نیاز جنسی تقبیح می‌شود که در پی آن با افزایش آستانه رضایتمندی جنسی و در نتیجه فزونی نارضایتی جنسی در روابط زناشویی، به روابط جنسی بدون ازدواج و دیگر انحرافات رفتاری منجر می‌شود.

۳-۴. انحرافات رفتاری، بازتاب اختلال رضایت جنسی در خانواده

انگیزه و میل جنسی همانند دیگر انگیزه‌های بنیادین آدمی، بخش جدایی‌ناپذیر ماهیت زیستی روانی اجتماعی او را تشکیل می‌دهد و کیفیت ارضای این انگیزه نقش بسیار مهمی در سلامت افراد و دستیابی به آرامش ایفا می‌کند (کاروبلس، گامزگادیکس و آلمندروس،^۱ ۲۰۱۱، ص ۲۹) و در سایه ارضای میل جنسی، که بیشتر محصول ذهن است تا جسم، افزون‌بر نیاز جسمانی، فرد از لحاظ اخلاقی، فکری و روانی نیز به آرامش می‌رسد. از آنجاکه این غریزه تأثیر انکارناپذیری در زندگی زناشویی و انسجام و پایداری آن و نقش سازنده و پراهمیت و بنیادینی در مسیر سلامت و تعادل روانی زوجین ایفا می‌کند (مرادی اورگانی، ۱۳۹۱، ص ۴۳)، در یک ازدواج سالم وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند موجب تأمین رضایت طرفین شود، نقش بسیار بسزایی در موفقیت و پایداری کانون خانواده ایفا می‌کند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۵۴).

همان‌گونه‌که با لذت بیشتر از روابط عاشقانه و جنسی، زوجین احساس مثبت‌تری نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند و عملکرد جنسی رضایت‌بخش در بردارنده پیامدهای روانی اجتماعی برای

1. Carroble, Gámez Guadix & Almendros

هر دو می‌باشد، تجربه جنسی ضعیف و منفی می‌تواند یک عامل حساس برای رشد کژ رفتاری‌ها و مشکلات جنسی باشد که طرفین را در برابر فشارهای مربوطه آسیب‌پذیرتر می‌نماید. آمار روزافزون عدم رضایت و صمیمیت جنسی در زوجین به طلاق جنسی و در نتیجه کاهش متوسط مدت زمان ازدواج زوج‌ها منجر می‌شود یا زندگی اجباری و تحمیلی آنها در کنار هم، شاهدی دیگر بر تأثیر رابطه و رضایت جنسی زوجین به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار دوام و بقای ازدواج‌هاست و نیز گواه روشنی بر نقش سازنده بهبود و ارتقای روابط جنسی در کاهش مشکلات و تعارضات جنسی و در نتیجه پایین آمدن آمار بالای پدیده خانمان‌سوز طلاق می‌باشد.^۱

مصاحبه‌شوندگان در پژوهش اصغری نکاح و مهاجر بعد (۱۳۹۹) در خصوص تأثیر عوامل محیطی - ارتباطی ناشی از ایدئال‌گرایی جنسی بر گرایش به خودارضایی به‌عنوان یک رفتار منحرف جنسی، صراحتاً به نقش عواملی مانند سابقه دوستی و ارتباط با پسر، ارتباطات بدون محدودیت خانوادگی، تنهایی در منزل یا در اثر طرد شدن از جمع دوستان، مطالعه رمان و داستان با محتوای جنسی، تماشای فیلم‌ها و تصاویر حاوی صحنه‌های جنسی، گوش دادن به موسیقی‌هایی که متن محرک دارند، روایت‌های دوستان و همسالان از مسائل جنسی و زناشویی، عدم کنترل نگاه در فضاهای عمومی، استفاده بدون محدودیت از اینترنت پرسرعت و فضای مجازی اشاره نمودند. مشاهده فیلم‌های پورنو در فضای مجازی، عوارض سختی از جمله تشدید تخیل و خیال‌پردازی بر ذهن انسان می‌گذارد که در اثر ترشح دوپامین در مغز یعنی همان ماده‌ای که با مصرف مواد مخدر ترشح می‌شود و با ایجاد فانتزی‌های جنسی غیر واقعی و یا نگاه به زنان عریان، میل به خودارضایی را در افراد تشدید می‌کند.

بی‌تردید آشنایی جوانان و اعضای خانواده با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار از طریق رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی که گزینه‌های فراوان فراروی آنان قرار می‌دهد، بر شدت و دامنه انحرافات رفتاری نظیر آنچه گذشت می‌افزاید. محتویات جنسی در فضای مجازی، با تهییج جنسی نوجوانان قبل از فراهم شدن شرایط و زمینه‌های ازدواج، موجب افزایش ارتباطات جنسی خارج از ازدواج شده و همچنین سرعت پیشرفت روابط با جنس مخالف را به سمت ارتباطات جنسی افزایش می‌دهد که می‌تواند مشکلات جنسی برای فرزندان به همراه داشته باشد.

۱. براساس فراتحلیل‌ها در این زمینه بالای ۷۸ درصد علت طلاق‌ها به مسائل جنسی مربوط می‌شود که در این راستا می‌توان علاوه بر مطالعه بابکی و همکاران به مطالعات سعیدی و شکوری، همچنین پژوهش پینتو و نوبل اشاره کرد (بوالهری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

۵. پیامدهای فردی و اجتماعی آسیب سلامت جنسی ناشی از فضای مجازی

استفاده بیش از حد از شبکه‌های مجازی با ایجاد اختلال در یکی از کارکردهای مهم خانواده یعنی برقراری و تأمین نیاز عاطفی از طریق روابط جنسی، امکان پاسخگویی اعضای خانواده به این نیاز مهم را تا آن حد کاهش داده که با افزایش رضایتمندی ناشی از زمینه‌های تحریک جنسی، حضور گسترده کاربران در فضای مجازی جنسی را به همراه داشته است و به همین دلیل با وجود برقراری رابطه جنسی متعارف با همسر، رضایتمندی جنسی حاصل نمی‌شود. گرایش به برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج، ارتباط با افراد متعدّد یا به شیوه‌های نامتعارف (خشونت جنسی و...) از جمله پیامدهای این عدم رضایت و به دنبال آن تضعیف کارکرد تنظیم رفتارهای جنسی در خانواده می‌باشد. حفظ و تحکیم این نهاد به منظور حفظ سلامت جنسی اجتماعی، شناسایی ابعاد مختلف آسیب‌های ناشی از فضای مجازی و برنامه‌ریزی در جهت مقابله با آنها را ایجاب می‌کند.

۵-۱. عدم تأمین نیازهای جنسی - عاطفی در خانواده

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده طی سال‌های مختلف نشان می‌دهد زوج‌هایی که فعالیت جنسی بیشتری دارند از سطح خوشبختی، شادی و رضایت بالاتری نسبت به زوج‌هایی برخوردارند که کمتر از یک‌بار در هفته رابطه جنسی دارند؛ اما گاه تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله جاذبه‌های بصری و صحنه‌های پورن در شبکه‌های مجازی، از رغبت به برقراری رابطه جنسی بعد از ازدواج کاسته می‌شود. به واسطه پیشرفت فناوری و ورود بسیاری از اسباب تصویری و ارتباطی و گرایش برخی از افراد به ویژه جوانان به تماشای تصاویر و جذابیت‌های دیداری هوسناک فیلم‌های پورنوگراف، با ایجاد اختلالات جنسی حتی گاه برخی از افراد متأهل را که تعهد به همسر از جمله وظایف زناشویی‌شان است، به ترجیح لذات مجازی، موقت و بی‌هدف با شرکای جنسی خیالی بر ارتباط مشروع و به حق زناشویی و سوسه کرده و در پی قطع ارتباط عاطفی، از صمیمیت جنسی می‌کاهد.

متأسفانه این رخداد مرد و زن نمی‌شناسد و آلودگی هر دو جنس امکان‌پذیر است؛ هرچند داده‌های تجربی و بالینی نشان داده است مردان بیش از زنان در معرض پورنوگراف قرار دارند؛ اما روان‌شناسان معتقدند: نتیجه این رفتار مخرب یکی از زوجین بر بنیان خانواده بیش از توزیع جنسی این مسئله مهم است؛ زیرا با کمبود میل جنسی و در نتیجه عدم تمایل به داشتن رابطه جنسی زن و مرد، هیچ‌یک از اعضای خانواده (همسر، فرزندان) از آثار سوء آن در امان نبوده و هر یک به نحوی متضرر خواهند شد. از این رو، با توجه به امکان روی آوردن زنان به خیانت در صورت نبود رابطه جنسی قوی در زندگی زناشویی، مردان باید با مراعات نکاتی رابطه زناشویی خود را گونه‌ای مدیریت نمایند تا همسرشان را از انواع آسیب‌های خیانت محافظت کنند.

۵-۲. برجسته شدن موضوع مدیریت بدن

مدیریت بدن به دلیل اینکه موجب اکتساب منزلت، تمایز و پایگاه می‌شود، از جایگاه و اهمیتی ویژه برخوردار است تا جایی که آن را یکی از انواع سرمایه یعنی «سرمایه فیزیکی» می‌نامند؛ زیرا شکل و اندازه آن تحت تأثیر ارزش‌های اجتماعی تغییر می‌یابد. کارکرد رسانه‌ها به‌عنوان ابزارهای قدرتمند تولید معنا در جامعه که می‌توانند باعث تغییر نگرش و باورهای مخاطبان خود شده و آنها را به اتخاذ شیوه‌ها و سبک‌های خاص در زندگی فردی، اجتماعی و حتی سیاسی‌شان وادارند، در این زمینه قابل تأمل است. خودنمایی و زندگی ویترونی از جمله پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی است که در اثر آن بدن به جایگاه ابراز، اظهار و نمایش خود تبدیل شده و در این میان شیوه‌های متنوع مدیریت و کنترل بدن برای «به نمایش گذاشتن خود» مطرح می‌شود. در این بین، زنان جامعه در مقایسه با مردان تمایل بیشتری به نمایش بدن خود دارند.

با وجود این، نگاهی که زن از بدن خود دارد و اقداماتی که برای رسیدن به رضایت از بدن خود انجام می‌دهد به دلیل تأثیر تصویر بدنی و چگونگی درک فرد از خود بر توانایی برقراری ارتباط با دیگران، در سلامت روانی جامعه و خانواده پیامدهایی به همراه دارد. توجه به زیبایی و جوانی در رسانه‌های جمعی، افزایش علاقه به جوانی و تلاش برای حفظ و تداوم آن در سال‌های غیرجوانی، مدیریت بدن نظیر رژیم‌های غذایی، جراحی‌های زیبایی و... به مثابه امر اجتماعی و نه زیستی یکی از روش‌های این نوع از مدیریت است که در قالب خودآرایی و تزئین به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی فرهنگ بدن، در دو بخش «مد و پوشاک» و «مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی» ظهور می‌یابد و رشد چشمگیر آن در میان زنان جامعه مشهود است.

با وجود کمترین مصرف زنان و دختران فرانسه از لوازم آرایش که کشورشان بزرگ‌ترین قطب تولید لوازم آرایش در جهان است، دختران و زنان ایران با برخورداری از زیبایی خدادادی، از همان سنین نوجوانی از لوازم آرایش استفاده می‌کنند که بتوانند چهره‌شان را زیباتر کنند^۱ و هر چه سنشان بالاتر می‌رود، این احساس نیاز بیشتر شده و به تدریج جای خود را به جراحی‌های پلاستیک و تزریق بوتاکس برای جوان‌سازی پوست می‌دهد تا آنجا که ایران از نظر نسبت تعداد عمل زیبایی به جمعیت، در رتبه‌های نخست جهان قرار دارد (موسوی زاده و همکاران، ۱۳۸۸). جالب آنجاست که با وجود اختصاص مصرف مواد آرایشی طی چند سال گذشته به دختران و بانوان، امروزه دیده‌ها و شنیده‌ها حاکی از آن است که مصرف این مواد تبدیل به جزئی جدایی‌ناپذیر از

۱. به گفته نایب‌رئیس انجمن واردکنندگان فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی، کشور ما در منطقه رتبه اول مصرف لوازم آرایش و بهداشتی را دارد؛ البته ۵ سال پیش بر سه حکایت از آن داشت که ما در مجموع مصرف - یعنی هم لوازم آرایشی و هم بهداشتی - در جهان هفتم و در منطقه بعد از عربستان رتبه دوم را داشتیم (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۱).

زندگی برخی آقایان نیز شده است؛ مردانی که قرار است در آینده به مرد زندگی دختران تبدیل شوند و یک زندگی مستقل را تشکیل دهند؛ پسرانی که مشتری پروپاقرص فروشگاه‌های لوازم آرایشی شده‌اند و زمان زیادی را در آرایشگاه‌های مردانه که در گذشته تنها اصلاح سر و صورت انجام می‌شد، اما این روزها برای امور دیگری همچون رنگ کردن مو، برداشتن ابرو و... می‌گذرانند.

با اتمام ویژه به این‌گونه مسائل که پیامد آن چیزی جز معنا شدن زندگی به‌عنوان فعالیت برای مدیریت بدن نیست، در محیط خانواده توجه همسران به موضوع مدیریت بدن، جای تلاش به‌منظور تأمین نیازهای عاطفی یکدیگر را می‌گیرد و این انتظار در هر یک از زوجین پدید می‌آید که «او» باید با جدیت «من» را خوشبخت کند. هرچند طرح خوشبختی به‌عنوان هدف در ازدواج مهم است، اما اشکال مهم آن است که خوشبختی «من»، در گرو امکانات و تلاش‌های «او» قرار می‌گیرد نه مرهون تلاش شخصی «من». حاصل ضرب آرمان‌زدگی و الگوی سبک زندگی تبلیغ‌شده در فضای مجازی در انتخاب همسر آن می‌شود که جوانان بیش از آنکه در پی نیل به آرامش در زندگی مشترک باشند، اما آرمان‌های خود به‌ویژه اهداف مادی را از ازدواج می‌خواهند. با مواجهه با چهره‌هایی بزک‌کرده و به‌ظاهر شادمان و خانواده‌هایی متمول در شبکه‌های اجتماعی، آرزوی همسانی در جوانان با آنان بدون آنکه واقعیت حال آنان معلوم باشد، رو به فزونی می‌گذارد.

ژان بودریار از جمله نظریه‌پردازانی است که اصالت یافتن واقعیت نامرتبط با زندگی واقعی شکل‌گرفته توسط رسانه‌ها را زیر سؤال برده و به شکل خاص ارتباط هرزه‌نگاری با فراواقعیت و بازتاب آن بر موضوع مدیریت بدن را بررسی کرده است. وی در توضیح این موضوع معتقد است: با افزوده شدن یک بُعد به عرصه جنسیت، امور از آنچه هستند، واقعی‌تر جلوه می‌کنند. به این ترتیب، استفاده از قوه خیال‌پردازی در پورنوگرافی بی‌اثر است؛ زیرا در بن‌بست ایجادشده توسط واقعیت اضافی مذکور زمین‌گیر خواهد شد (بودریار، ۱۳۸۶، ص ۵۰). در واقع، استفاده از تصاویر رنگارنگ و جلوه‌های ویژه در تصاویر پورن سینمایی و تلویزیونی، هر چیزی جذاب‌تر از آنچه هست به بیننده نشان داده می‌شود (همان، ص ۵۳). در اثر چنین تأثیر شگفتی، جنسیت با از دست دادن کامل کارکرد نمادین و تبادلی خود و در نتیجه غلتیدن به چارچوب ارزش مفید / ارزش مبادله، گرفتار شیئیت می‌شود. به این معنا که با وجود ارزشمندی لذت جنسی برای فرد، جنبه اقتصادی و تجاری آن، که فاقد بار نمادین است، هم ارزش مبادله پیدا می‌کند (بودریار، ۱۳۸۹، ص ۲۳۶). او همچنین پورن را وانموده‌ای حاصل ویرانی امر واقعی می‌داند که در ظاهر حقیقتی است که عدم وجود در ورای آن پنهان شده است (بودریار، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

به عقیده بودریار، اثر تغییرات ظاهری ستاره پورن اعم از جراحی‌های زیبایی، آراستگی چهره،

فرم و استایل بدن و... بر رفتار جنسی بینندگان تأمل برانگیز است؛ زیرا تأثیر او به‌عنوان ابژه فراواقعی سکس به‌مراتب ملموس‌تر از اثر مواجهه حضوری مردان با زنان در دنیای واقعی است (ریترز، ۱۳۸۹، ص ۴۱۹). همچنین، نگرانی درباره مسائلی همچون اندازه آلت تناسلی در مردان که طی سال‌های اخیر افزایش یافته به‌گونه‌ای که این موضوع فکر حدود ۴۵ درصد از مردان را درگیر خود نموده است، را هم می‌توان متأثر از الگوهای نادرست تبلیغ‌شده در فیلم‌های پورنوگرافی در ارائه ابژه‌های فراواقعی سکس دانست (لوبروتون، ۱۳۹۲، ص ۸۴).

۳-۵. افزایش خیانت‌های خانوادگی در پی کاهش اعتماد متقابل بین اعضای خانواده

به اعتقاد گریف، هیلدگارد و مالهرب^۱ (۲۰۰۱) نیاز به برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با دیگران به‌عنوان انگیزه اساسی و بنیادی حیات بشر قلمداد می‌شود (خسروی و همکاران، ۱۳۹۰). ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی هرچند دارای ابعاد مثبتی است، اما بستر آسیب‌های جدی همچون افت مهارت‌های اجتماعی - زناشویی، کناره‌گیری اجتماعی و ازهم‌گسیختگی روابط اجتماعی - زناشویی را فراهم می‌کند. به‌دیگرسخن، زمانی که زوجین به شبکه‌های اجتماعی وابسته می‌شوند، انگیزه آنها برای تعامل با دیگران به‌ویژه همسرشان کم می‌شود که این امر می‌تواند اثرات منفی بر ارتباط آنها با یکدیگر و تعاملات اجتماعی آنها داشته باشد و درنهایت به کناره‌گیری آنها از ارتباطات اجتماعی و کناره‌گیری از روابط نزدیک به‌ویژه با همسر و به عبارتی روابط زوجی منجر شود (عشقی، ۱۳۹۵، ص ۴۷). به اعتقاد الکسون^۲ (۱۹۹۳) ارتباط، فرایند اصلی در زناشویی است؛ به‌طوری‌که در جوامع گوناگون، روابط زوجین ارزش بسیار دارد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۰).

در واقع، روابط صمیمانه حکم یک رابطه‌درمانی را دارد که می‌تواند سکوی حمایتی و پناهگاه انسان در مقابله با دشواری‌های زندگی باشد. همچنین تکامل رشد و شخصیت انسان به کمیت و کیفیت روابط او بستگی دارد که در این بین، رابطه زوجین برای آنها به‌عنوان منبع اصلی عاطفه و حمایت است. اگرچه امروزه زن و مرد بیش از هر زمان دیگر از یکدیگر متوقع‌اند، اما آمادگی برآوردن توقع یکدیگر را ندارند. «لارا شلسینگر» مشاور خانواده در کتاب خود نامه‌ای هشداردهنده از زنی را که از ۱۶ سالگی به روسپی‌گری اشتغال داشته، نقل می‌کند: «اکثر مراجعینم مردانی متأهل بودند و بیش از نود درصد آنها حتی به من دست هم نزدند. آنها به من پول می‌دادند تا کارهایی را که همسرانشان از انجام دادن آن سر باز می‌زدند برایشان انجام دهم. اشتباه نکنید به‌هیچ‌وجه در مورد روابط جنسی، صحبت نمی‌کنم؛ بلکه منظورم کارهایی نظیر گوش دادن به حرف‌هایشان، درست

1. Greif, Hildegard and Malherbe
2. Alexon

کردن نوشیدنی، روشن کردن سیگار، محبت و توجه کردن به آنان است» (شلسینگر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲)؛ البته چنین مشکلاتی در میان مردان نیز به وفور یافت می‌شود. زن و شوهر با وجود اینکه به هم علاقه‌مندند، اما راه ابراز علاقه را نمی‌دانند و از تحلیل شیوه‌هایی ناتوانند که طرف مقابل برای اعلام محبت یا بیان مقصود خود به کار می‌گیرد. مرد به دلیل آنکه با روان‌شناسی زن آشنا نیست، گمان می‌کند که اگر همسرش خواسته‌هایش را آشکارا بر زبان بیاورد، هیچ مشکلی به وجود نخواهد آمد و زن نیز پیوسته از ضعف عاطفی و احساسی شوهر گلایه می‌کند.

گذشته از سردمزاجی زوجین به علت مشکلات و اختلاف‌ها و تفاوت‌ها که زمینه‌گرایش به گفتگوهای جنسی و عاطفی در فضای مجازی را فراهم می‌کند، برخی زوج‌ها از زندگی خود راضی هستند؛ اما به دلیل ماهیت فضای مجازی و اینکه این فضا فرصت تعامل با جنس مخالف را فراهم می‌کند، هم به حوزه روابط خارج از ازدواج کشیده می‌شوند. به نظر روان‌شناسان دلیل کشیده شدن این گروه آن است که هنگام گرفتار شدن در معرکه نبرد بین دو گروه از ارزش‌ها (ارزش‌های انتقالی از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی در مقابل ارزش‌هایی که از جامعه خودی ریشه گرفته)، افراد دچار جنون توهم می‌شوند. از این‌رو، اندیشه افراد در ستیز روانی بین این دو دسته از ارزش‌ها گرفتار می‌آید و گاه به غارت می‌رود و این جابه‌جایی است که فرد در دنیای وهم‌آلود و تخیلی که سراسر نبرد دو دسته از ارزش‌هاست، به بند کشیده می‌شود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۸۴، ص ۶۲).

به عقیده ویلیام گلاسر، روان‌شناس نامی، مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شوند، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است. چیزی که در صورت حاکم نبودن روابط زناشویی خوبی بین همسران، دیگر آن را در زندگی مشترکشان نمی‌یابند. فقدان صمیمیت در زندگی زناشویی، عامل دل‌سردی تنها مردها نیست، بلکه در صورت نارضایتی عاطفی زنان، احتمال به انحراف کشیده شدن آنان که به هر دلیلی از محبت و توجه مرد زندگی خود محروم باشند، در اثر وسوسه و اغوای اشخاص دیگر وجود دارد. در گذشته، عقیده بر این بود که احساس صمیمیت در پاسخ مثبت زنان به درخواست‌های جنسی شوهرانشان، بیش از پاسخ‌دهی مثبت مردان به درخواست زنان مؤثر است؛ اما امروزه بر نیاز هر دو جنس یعنی اظهار عاطفه تأکید می‌شود. اگر این ابراز صمیمیت نباشد یا کافی نباشد، به طرد جنسی از سوی زوج مقابل منجر می‌شود. احساس گناه از ناکافی بودن در زندگی زناشویی، مهم‌ترین دلیل برای احساس تمایل خیانت به همسر محسوب می‌شود. وقتی با بی‌مهری مداوم نسبت به یک زن در زندگی مشترک، احساس حقارت و بی‌اهمیت بودن القا شود، طبیعی است که به دنبال کسی بگردد تا این احساس عزت‌نفس را به وی برگرداند. زنان به دنبال پر کردن این خلأ عاطفی که همسرشان ایجاد کرده، با

فرد جدیدی روابط نامشروع برقرار می‌کنند. هرچند در صورت وجود شرایط لازم برای بیان این کمبود، احتمال خیانت کمتر می‌شود، اما از آنجاکه صریح و باز بودن یک زن در روابط جنسی در برخی جوامع از جمله فرهنگ ایرانی پذیرفته نیست، احتمال شرکت در روابط جنسی غیرمتعهدانه برای این‌گونه افراد افزایش می‌یابد. برقراری ارتباط‌های خارج از چارچوب خانواده از جمله روابط مثلی^۱ می‌تواند در از دست دادن تمایل برخی از همسران در روابط زناشویی با همسر خود یا کمتر اهمیت دادن به این موضوع، به نوبه خود ضمن افزایش فشارهای روانی و جسمانی به همسر، زمینه کج‌روی‌های احتمالی وی را نیز فراهم آورد.

۵-۴. کاهش گفتگو منجر به تنوع‌طلبی جنسی و عاطفی

با توجه به نقش مهم عناصر سه‌گانه هویت (خود، فرهنگ، جامعه) در تکوین شخصیت افراد، فضای سایبری با قرار دادن کاربران در موقعیت‌های متنوع زندگی، زمینه آسیب‌پذیری شخصیت فرد و در بسیاری از مواقع چندشخصیتی شدن آنان را مهیا می‌کند. طبیعت این فضا گونه‌ای است که به دلیل تلاش هرکس به منظور ابراز دیدگاه‌ها و گرایش‌های خود، مکنونات وجودی اشخاص بیش از ظاهر بیرونی آنان فرصت بروز پیدا می‌کند. از این رو، به عقیده میلر، شخصیت کاربر در ساختار و چینش پایگاه‌های شخصی (وبلاگ‌ها)، نمودار می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

ارتباط قوی بین کاربران به دلیل مهیا بودن زمینه تقویت شخصیت‌های چندگانه و عدم طرح هویت شخصی و مشخصات فردی در فضای مجازی، امکان ایجاد دنیایی را برای افراد فراهم می‌آورد که بتوانند در جایگاه افراد دیگر، هویت‌یابی شوند. با دسترسی به داده‌ها و آمار شخصیتی دیگران از طریق وبلاگ و وبگاه‌های مجازی، با درگیر شدن یک سری اوهام و تخیلات مجازی که آن‌هم از شخصی به شخص دیگر متفاوت است، کاربر در مقام مقایسه با گرفتار شدن به نوعی از خودبیگانگی و از دست دادن هویت فردی، توانایی برخورداری از شخصیتی پایدار و حفظ آن در دنیای واقعی را از دست می‌دهد. پس از آسیب شخصیتی، خصلت بازدارندگی فضای مجازی، بر شدت آسیب‌پذیری کاربران منزوی‌شده از فضای تعاملی خانواده می‌افزاید.

۱. روابط مثلی، به روابطی اطلاق می‌شود که دو نفر برای حل مشکلات خود در زندگی، خود، نفر سوم را وارد می‌کنند. این نفر سوم در روابط همسران می‌تواند مادرشوهر، خواهرزن، دوست و برخی اوقات یک معشوقه باشد. طبیعتاً زمانی که یکی از زوجین با شخص ثالث اقدام به درد دل کردن می‌کند، خود را از بند خجالت رها کرده و صراحتاً مشکلات را عنوان می‌کند. همچنین، آن نفر سوم برای اینکه بتواند جزئی از ماجرا باشد، نیاز است که عمیقاً با شخص همدمی کرده و او را درک کند. در بیشتر اوقات افراد نمی‌توانند جایگاه‌های خود را حفظ کنند و به موجب احساسی که به وجود می‌آید، به یکدیگر وابستگی پیدا می‌کنند. زمانی که یکی از زوجین با شخص سوم وابستگی پیدا کرد، کم‌کم بایستی زوجین خودشان را برای طلاق عاطفی مهیا کنند؛ زیرا وابستگی شخص موجب دل‌بستگی خواهد شد.

دو اصطلاح بازداری و بازداری زدایی، در نظریه روان‌تحلیل‌گری فروید مطرح شد. منظور از بازداری در این دیدگاه، مهار تکانه‌های غریزی «بُن» مرکب از غریزه‌ها، گرایش‌ها و خواسته‌های شخص توسط «فرامن» است. هرچند بُن برانگیزنده انسان برای رفع نیازهای اساسی است، دارای جنبه‌های منفی و خواسته‌های نامقبول از جمله اصرار بر ارضای بدون قید و شرط غریزه‌ها و گرایش‌هاست. فرامن، نقطه مقابل بُن، فرامن قرار دارد که با تبعیت از ارزش‌های اخلاقی می‌کوشد از طریق محدود کردن ارضای نیازها و گرایش‌های بُن، آن را از پیگیری خواسته‌های غیراخلاقی بازدارد (ستارزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳).

در شرایط طبیعی و به‌ویژه هنگام حضور در فضای جمعی خانواده، با قرار گرفتن بُن تحت مراقبت فرامن از بروز تکانه‌های غریزی بازداری جلوگیری می‌شود؛ ولی با افزایش خلوت و گوشه‌نشینی و کاهش مراقبت یادشده، بازداری زدایی نمود پیدا می‌کند. در اثر این رویداد، با افزایش احتمال جستجوی مطالب و تصاویر مستهجن توسط افراد، آنان به جاهایی که امکان یافتن این نوع مطالب را احتمال می‌دهند، سر می‌زنند؛ حال آنکه این مکان‌ها در جهان واقعی و حضور دیگران هرگز مورد بازدید قرار نخواهند گرفت. همچنین، شبکه‌های مجازی به علت تسهیل در ایجاد روابط دوستانه، عاشقانه، ضمن فراهم کردن زمینه رفتارهای غیراخلاقی، سبب افزایش سطح توقع و رضایت نسل جوان از زندگی‌های مشترک می‌شود. شبکه‌های اجتماعی آنچه جوانان باید به‌طور منطقی از زندگی زناشویی انتظار داشته باشند را به‌گونه‌ای تحریف می‌کنند؛ زیرا بخش قابل ملاحظه‌ای از لذت و صمیمیت نقش بسته در ذهن و خیال جوانان در اثر مشاهده فیلم‌ها و سریال‌های فضای مجازی، امکان تجربه در زندگی عادی ندارد که این امر می‌تواند موجب سهولت بروز خیانت در روابط زناشویی و گاه ایجاد روابط نادرست در اثر تنوع-طلبی عاطفی و جنسی و منجر به پیامدهای سوء مختلف شود.

از جمله این پیامدها، تنوع‌طلبی عاطفی و جنسی منجر به برقراری ارتباط هر یک از زوجین با افراد ناشناس و چه‌بسا دوستان و آشنایانی از جنس مخالف است که سطح اعتماد بین آنها را می‌کاهد و خدشه‌دار شدن آرامش و آسیب‌دیدگی جدی خانواده را به‌دنبال دارد. طلاق عاطفی نیز به‌شدت رو به افزایش می‌گذارد؛ به‌طوری‌که مشخص شده ۶۸ درصد طلاق‌های ثبت‌شده در میان ۱۴۰ کشور جهان، به علت ارتباط یکی از زوجین با جنس مخالف از طریق شبکه‌های مجازی بوده است^۱ (بشیر و همکار، ۱۳۹۱، ص ۴۱).

۱. نتایج آخرین پژوهش بنیاد صیانت از نهاد خانواده قوه قضائیه در بازه زمانی اردیبهشت سال ۹۷ تا اردیبهشت ۹۸، براساس داده‌های پرونده‌های منجر به طلاق در دادگاه‌های خانواده ۵ استان (شامل تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و گیلان) نشان می‌دهد که ۱۷ درصد از طلاق‌ها به‌ویژه در سه سال اول زندگی مشترک ناشی از نفوذ و گسترش شبکه‌های اجتماعی بوده است.

۶. جمع‌بندی و ارائه راهکار

در این مقاله با عنایت به ایجاد چالش در کارکرد تأمین نیازهای عاطفی - جنسی خانواده ناشی از رویداد انقلاب اطلاعات و ارتباطات در سال‌های پایانی سده گذشته، در راستای سنجش فرضیه پیشنهادی که نشانه‌هایی چون برجسته‌سازی مدیریت بدن، کاهش میزان اعتماد و گفتگو بین زوجین و... را دلیل اختلال ایجادشده در کارکرد پیش‌گفته، تلقی نموده بود، بررسی و تبیین ابعاد ناامنی جنسی عاطفی همسران در کانون توجه قرار گرفت. نقش و تأثیر فضای ارتباطی نوپدید به دلیل فراهم آوردن زمینه جدیدی از حضور افراد در فضای تعاملی مجازی فارغ از جنسیت از طریق اعطای امکان شناسایی به شکلی که مایل به شناخته شدن توسط دیگران هستند، در اختلال ایجادشده در تأمین نیازهایی که پیش‌ازاین به‌سادگی در فضای خانواده پاسخ می‌گرفت، حائز اهمیت است.

شبکه‌های اجتماعی با وجود ابعاد مثبت ارتباطات نظیر گستردگی، فراتر از مکان و زمان بودن و سهولت دسترسی، اما با جایگزینی تعاملات آنلاین مانند سکس مجازی به جای روابط فیزیکی و دامن زدن به احساس تنهایی، نه فقط سلامت روانی کاربران را در معرض تهدید قرار داده، بلکه زمینه تأمین نیازهای جنسی - عاطفی در فضای امن خانواده را نیز ناامن نموده است. در پایان، به‌منظور کاهش آسیب‌های پیش‌گفته و افزایش ضریب ایمنی فضای خانواده و ارتقای توان آن در تأمین نیازهای عاطفی - جنسی همسران، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. از آنجاکه فرهنگ‌سازی در حوزه سواد فضای مجازی کمک می‌کند به‌خوبی از ویژگی‌ها و نکات مثبت فضای مجازی استفاده کرده و آسیب‌های ناشی از آن را کاهش داد، فرصت آموزش‌های رسمی و دانشگاهی، به‌منظور آگاه‌کردن بهینه جوانان از خطرات و آسیب‌های روابط آزاد در فضای مجازی از طریق برگزاری نشست‌هایی با حضور صاحب‌نظران و نیز بازدید از مراکز نگهداری آسیب‌دیدگان اجتماعی را باید مغتنم شمرد.

۲. همان روشی که باعث شده طلاق، روابط با نامحرم و معضلات اجتماعی و آسیب‌های دیگری که استفاده افراطی از فضای مجازی منشأ آن است، می‌تواند در جهت عکس به کاهش آسیب‌ها کمک کند؛ از این‌رو گنجاندن مطالب ناظر به اثرات منفی و مثبت شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مجازی بر روابط زناشویی در آموزش‌های قبل از ازدواج، می‌تواند با ارتقاء سطح آگاهی زوج‌های جوان، در کاهش آسیب‌های مورد بحث در این نوشتار نقش آفرین باشد.

۳. زوجین از مشاهده فیلم‌های پورنو اجتناب کنند؛ زیرا پرداختن به روابط جنسی و تماشای این‌گونه تصاویر در شبکه‌های اجتماعی، افزون‌براینکه می‌تواند توقع زوجین از کیفیت و نوع ارتباط زناشویی را تغییر دهد و آنان را با مشکلات بسیاری در این حیطة مواجه کند، باعث اعتیاد فرد به پورنوگرافی و درنهایت اعتیاد جنسی می‌شود که این مسائل سلامت روان فرد را مختل می‌کند.

منابع

۱. اصغری نکاح، سید محسن و زهرا مهاجر بعد (۱۳۹۹). «کاوشی کیفی در عوامل سوق دهنده دختران نوجوان به خودارضایی از منظر الگوی تربیت جنسی خانواده محور مبتنی بر رشد»، فصلنامه خانواده و سلامت جنسی. ۲(۱): ۷-۱۶.
۲. اعتضاد السلطنه، محمد (۱۳۸۴). دغدغه‌های رسانه‌ای جهان غرب، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۳. اعزازی، شهلا (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۴. اکبرزاده جهرمی، سید جمال الدین، رضوی‌زاده، سید نورالدین و محدثه شیخی (۱۳۹۸). «نقش اینستاگرام در مدیریت بدن زنان؛ مطالعه موردی: زنان مناطق یک و بیست تهران»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۵ (۲۰): ۳۷-۷۹.
۵. بشیر، حسن و محمدصادق افراسیابی (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۵ (۱): ۳۱-۶۰.
۶. بوالهری، جعفر، رمضان‌زاده، فاطمه، عابدی نیا، نسرین، نقی‌زاده، محمد مهدی، پهلوانی، هاجر و سید مهدی صابری (۱۳۹۱). «بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، ۸(۱): ۸۳-۹۳.
۷. بودریار، ژان (۱۳۸۶). اغوا، ترجمه ایمن قضایی. پاریس: شعر.
۸. بودریار، ژان (۱۳۸۹). جامعه مصرفی، اسطوره‌ها و ساختارها، ترجمه پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
۹. تاجبخش، غلامرضا و محمد دانشفر (۱۳۹۹). «تأثیر تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر مدیریت بدن زنان و دختران»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۲۲، ۱۸۵-۲۱۷.
۱۰. جنادله، علی و مریم رهنما (۱۳۹۷). «بازنمایی آسیب‌شناسانه رسانه‌های نوین در مطالعات خانواده (فرا تحلیل مقالات چاپ شده در خصوص تأثیر رسانه‌های نوین بر خانواده)»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۶): ۱-۴۰.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ویرایش عبدالرحیم ربانی شیرازی. چاپ دهم، قم: کتابچی.
۱۲. خبرگزاری صدا و سیما (۱۴۰۱). ایران رتبه اول مصرف لوازم آرایشی، ۱۲ اردیبهشت. <https://www.iribnews.ir/fa/news/3432930>
۱۳. خسروی، زهره، ابلیاد، محمدرضا، ناهیدپور، فرزانه و شهدخت آزادی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز

- مشاوره شهر کرج»، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)، ۲ و ۳ (۷): ۶۱-۷۹.
۱۴. راس، آلن (۱۳۸۶). روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرایندها)، ترجمه سیاوش جمال فر. چ پنجم، تهران: روان.
۱۵. ریتزر، جورج (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: ثالث.
۱۶. ژیانپور، مهدی و حکیمه ملک احمدی (۱۳۹۴). «بازسازی زمینه‌ای پیامدهای کنش جنسی در اینترنت»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۲): ۸۸-۱۰۹.
۱۷. ستارزاده، داوود (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر اعتیاد جوانان به اینترنت و پیامدهای آن (مطالعه موردی شهر ساری)»، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد خلیخال)، ۳(۳): ۱۲۰-۱۴۲.
۱۸. شلسینگر، لارا (۱۳۸۶). قدرت زن: زندگی خود و همسران را دگرگون کنید، ترجمه دنیس آژیری. تهران: نشر ثالث.
۱۹. عشقی، روناک (۱۳۹۵). عهدشکنی همسران، تهران: آفتاب.
۲۰. فرانکل، ویکتور امیل (۱۳۷۲). پزشکی و روح، ترجمه فرخ سیف بهزاد. چاپ دوم، تهران: درسا.
۲۱. گیدنز، آتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
۲۲. لویروتون، داوید (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی بدن، ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر ثالث.
۲۳. متقی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۱۹). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. محی‌الدین بناب، مهدی (۱۳۷۵). روانشناسی انگیزش و هیجان، تهران: نشر دانا.
۲۵. مرادی اورگانی، عیسی (۱۳۹۱). «رابطه بین طرحواره‌های جنسی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی در فرهنگیان متأهل شهر فلاورجان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه اصفهان.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۷. موسوی‌زاده، سیدمهدی، نیازی، فیض‌اله، کلانترهریزی، عبدالجلیل، فدایی نایینی، علیرضا و مهدی نصری لاری (۱۳۸۸). «ارزیابی گرایش انگیزه‌های بیماران زن در جراحی‌های زیبایی»، مجله پژوهشی پژوهنده، ۶(۴): ۳۱۸-۳۲۳.
۲۸. نخشی‌پور، ابراهیم و داود ابراهیم پور (۱۳۹۷). «رابطه میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری زناشویی در بین مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه»، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، ۱۰ (۳۹): ۱۳۳-۱۵۳.

۲۹. هرمز، مهرداد (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران: انتشارات فاران.
۳۰. شولتز، دوآن و سیدنی آلن شولتز (۱۴۰۱). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی. ویراست دهم، تهران: نشر ویرایش.
۳۱. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۷). «روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، ۱، ۱۱۵-۱۴۲.
۳۲. شرف، رهام (۱۳۹۹). «نقش نادیده گرفتن واقعیت فضای مجازی در بروز آسیب‌های اخلاقی خانواده»، فصلنامه تأملات اخلاقی، ۱(۳)، ۶۵-۸۵.
۳۳. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۴. موسوی، سمیه، مهدیزادگان، ایران و اصغر آقایی (۱۳۹۳). «رابطه رضایت زناشویی و شکایات روان‌تنی با بهزیستی روان‌شناختی دبیران زن دوره متوسطه شهرستان شهرکرد»، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، ۷(۲۳)، ۱۴۵-۱۶۰.
35. Carrobes, J. A., Gámez Guadix, M., & Almendros, C. (2011). Sexual Functioning, Sexual Satisfaction, and Subjective and Psychological Well-being in Spanish Women. *Anales De Psicología / Annals of Psychology*, 27(1): 27-34.
36. Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2002). Effects of marital conflict on children: Recent advances and emerging themes in process oriented research. *Journal of child psychology and psychiatry*, 43(1): 31-63.
37. Eric J. (2009). Internet Use and Its Relationship to Loneliness, *Journal of Cyber, Psychology & Behavior*, 4(3): 112-125.
38. Mirgain, S.A., & Cordova, J.V. (2010). The Impact of Social Media on emotional skills and family health. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26(9): 983-1009.